



تاریخی (مانند ذکر واقعه‌ای مربوط به زمان پدیدآورنده اثر) نیز در متن آنها نیست که از آن طریق بتوان به دوره زمانی تألیف آنها دست یافت. اینجاست که تاریخ‌گذاری می‌کوشد تاریخی برای تألیف متن تعیین کند. نتیجه بررسی‌های تاریخ‌گذارانه هم می‌تواند به تعیین تاریخی جدیدتر از زمانی که برای متن مورد بررسی تصور می‌شده بینجامد، و هم می‌تواند تاریخی قدیمتر برای آن تخمین بزند. برای نمونه، شفیع‌ی کدکنی با بررسی الاستین، تاریخ این متن را صد سالی قدیمتر از آنچه پیشتر تصور می‌شد تعیین می‌کند؛ اما همو در بررسی خسرونامه منسوب به عطار نیشابوری، تاریخ آن را سیصد و اندی سال پس از زمان عطار تخمین می‌زند و بر این اساس آن را ساختگی معرفی می‌کند.

از مجموع پژوهش‌های تاریخ‌گذارانه، می‌توان چهار نوع تحلیل کلی برای تاریخ‌گذاری متونی که تاریخی مشخص ندارند تعریف کرد: تحلیل سند، تحلیل کتابشناختی، تحلیل نسخه‌شناختی، و تحلیل متن.

تحلیل سند در مورد آن دسته از متون کاربرد دارد که سلسله سند روایت متن را (یعنی زنجیره روایانی که متن را به طور شفاهی یا مکتوب نسل به نسل به یکدیگر منتقل کرده‌اند) در خود دارند، مانند متون حدیث و منابع کهن تاریخی که روایات خود را با سلسله سند نقل کرده‌اند. در سنت علمی جهان اسلام، سند یک متن تاریخ آن به شمار می‌رود؛ بنابراین اگر بتوان اصلت سندی را اثبات کرد و دست کم به اطمینان نسبی به صحت آن رسید، آن‌گاه می‌توان تاریخ متن را با تاریخ سند پیوند داد و قدمت متن را - دست کم در ساختار کلی آن - به اندازه قدمت سند آن دانست.

در تحلیل کتابشناختی، منقولات منابع قدیم از متن مورد بحث و یا ذکر نام اثر مذکور در کتابشناسی‌های کهن، برای تعیین تاریخ متن در نظر گرفته می‌شوند. اگر در منابع قدیم به متن مورد بحث اشاره‌ای شده و یا بخشی از آن نقل شده باشد، و یا کتابشناسی‌های کهن (مانند فهرست ابن‌ندیم، فهرست طوسی و فهرست نجاشی) از متن نام برده و آن را به مؤلفی خاص نسبت داده باشند، آنگاه می‌توان تاریخ متن را دست کم به قدمت منابعی

\* پژوهشگر متون و مصحح، دبیر گروه متن‌شناسی مرکز پژوهشی میراث مکتوب.

**اشاره:** سلسله‌مقالاتی که از این پس ذیل عنوان «روش‌شناسی تحلیل متن» در گزارش میراث به چاپ خواهد رسید، بخش‌هایی است منتخب از طرحی پژوهشی که به شرح روشها و تبیین رهیافتهای مختلف تحلیل متن و زوایای گوناگون آنها می‌پردازد. هر بخش از این طرح، درباره‌ی یکی از مباحث روش‌شناختی تحلیل متون سخن می‌گوید و با ذکر نمونه‌هایی چند می‌کوشد به گونه‌ای ملموس آنها را تصویر کند. از آنجا که این طرح (و به تبع آن این سلسله مقالات) برای خواننده ایرانی نوشته و منتشر می‌شود، نویسنده با وجود توجه بایسته به روشها و رویکردهای غربی در تحلیل متون، شواهد و مباحث خود را با تکیه بر متون ایرانی/اسلامی مطرح می‌کند. در پایان هر مبحث نیز شماری از منابع (اعم از کتاب و مقاله) به زبان فارسی، برای مطالعه بیشتر پیشنهاد و معرفی می‌شوند. طرح پژوهشی «روش‌شناسی تحلیل متن» در مرکز پژوهشی میراث مکتوب در دست انجام است و پس از اتمام، به صورت درسنامه‌ای در تحلیل متون منتشر خواهد شد.

## روش‌شناسی تحلیل متن - ۱

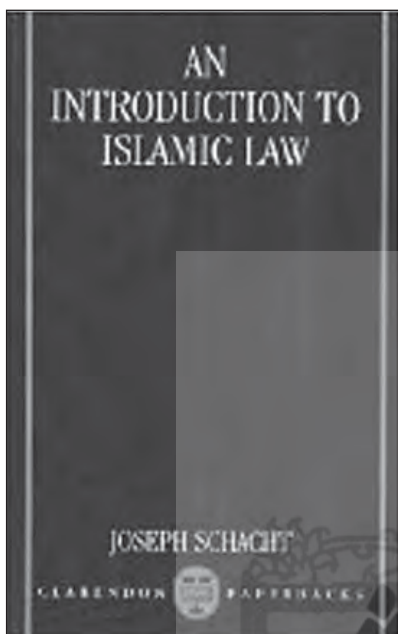
سید محمد عمادی حائری\*

### تاریخ‌گذاری

یکی از مهمترین مسائل در تحلیل هر متن کهن، اطمینان از اصلت آن است. برای اثبات اصلت متن از روشهای گوناگونی بهره می‌برند؛ اما در این میان متونی باقی می‌مانند که تاریخی قطعی ندارند و یا تاریخ ادعا شده برای آنها مورد تشکیک و تردید است، و نشانه‌هایی



البته مستلزم آن است که از ویژگیهای متون دوره‌ای که از آن سخن می‌گوییم آگاهی کافی داشته باشیم و بتوانیم بر پایهٔ مجموعه‌ای از متون آن دوره که به اصالت و وثاقت آنها اطمینان داریم، از ویژگیهای اصیل آن متون سخن بگوییم. همین امر، مایهٔ دشواری تحلیل متن در تاریخ‌گذاری و نیز احتمال لغزش در آن است.



صرف نظر از این پیش‌فرض مهم، به طور کلی برای تاریخ‌گذاری بر اساس تحلیل متن، سه عنصر را می‌توان در نظر گرفت:

۱. **عنصر لفظی:** از مجموعهٔ ویژگیهای زبانی یک متن می‌توان با عنوان عناصر لفظی یاد کرد. شناخت عناصر لفظی از آن جهت در تاریخ‌گذاری اهمیت می‌یابد که با تشخیص اینکه یک واژه، تعبیر یا ساخت نحوی در چه دوره‌ای کاربرد داشته و یا در چه دوره‌ای از رونق افتاده، می‌توان تاریخی برای متن تخمین زد. برای نمونه، می‌دانیم که واژهٔ «گم‌بودگی» در قرون چهارم و پنجم کاربرد داشته و در قرون هفتم و هشتم استعمال آن از رونق افتاده است. حال اگر این واژه را در متنی ببینیم، می‌توانیم تاریخ تقریبی متن را تخمین بزنیم. تاریخ‌گذاری لازار برای قرآن قدس بر اساس ساختهای فعلی متن که وی بر پایهٔ آن تاریخی جدیدتر برای متن تخمین می‌زند، و استشهاد به ساختار نحوی ترجمه‌های کهن قرآنی برای تاریخ‌گذاری آنها، تاریخ‌گذاری متن بر اساس تحلیل لفظی به شمار می‌روند.

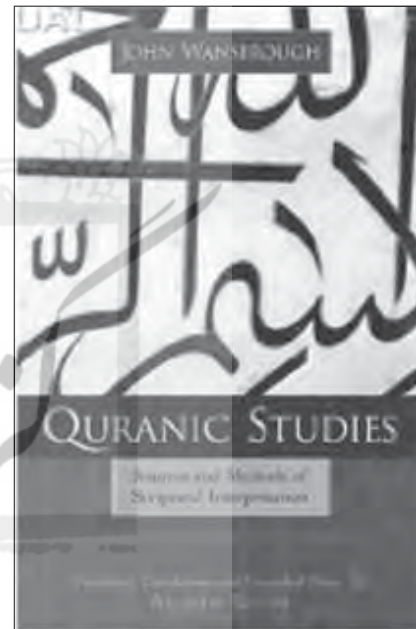
دانست که از آن اثر یاد کرده یا بخشی از آن را نقل نموده‌اند.

دربارهٔ متونی که نسخه‌های خطی آنها با تاریخ تألیف متن فاصلهٔ چندانی ندارد، می‌توان از تحلیل نسخه‌شناختی نیز برای تاریخ‌گذاری متن یاری جست. در تحلیل نسخه‌شناختی، وجود نسخه‌ای کهن از یک متن، دلیلی بر این خواهد بود که متن دست کم به اندازهٔ تاریخ نسخهٔ خطی موجود قدمت دارد. همچنین تحلیل روند تکثیر نسخه‌های یک اثر در طول تاریخ — در کنار قرائن دیگر — می‌تواند مبنایی برای تاریخ‌گذاری باشد. شفیع کدکنی با استناد به اینکه آثار مسلم‌الصدر عطار نسخه‌های متعددی از قرون هفتم و هشتم دارند اما از خسرونامهٔ منسوب به او تا پیش از قرن نهم نسخه‌ای موجود نیست، نتیجه می‌گیرد که این متن منسوب نباید از قرن نهم قدیمتر باشد.

سه روش تحلیلی یادشده، با بررسی جنبه‌های بیرونی متن به تاریخ‌گذاری می‌پردازند؛ اما در تحلیل متن بررسی عناصر درونی متن تاریخ و اصالت آن را تعیین می‌کند. هرچند از میان این روشهای چهارگانه روشهای کتابشناختی و نسخه‌شناختی نتایجی اطمینان‌آورتر به دست می‌دهند، اما متونی که می‌توان از طریق تحلیلهای کتابشناسی و نسخه‌شناسی به تاریخ‌گذاری آنها پرداخت بسیار نیستند. افزون بر این، آثاری باقی می‌مانند که هرچند تاریخ کلی آن مورد اتفاق است، اما در گذر زمان تغییرات و تصرفاتی در متن آنها روی داده که کشف این تصرفات و تغییرات تنها با بررسی و تحلیل دقیق متن ممکن خواهد بود. اگر بخواهیم واقع‌بینانه قضاوت کنیم، باید بگوییم که معمولاً مجموعه‌ای از تحلیلهای روشها و قرینه‌ها به کشف تاریخ یک متن سرگردان کمک می‌کنند. با این همه باید اذعان کرد که در میان روشهای تاریخ‌گذاری، تحلیل متن اهمیت ویژه‌ای دارد.

تاریخ‌گذاری بر پایهٔ تحلیل متن، می‌کوشد با جستجو در خود متن، نشانه‌هایی برای تعیین تاریخ آن بیابد. بدین منظور، باید دید که آیا متن مورد بحث با ویژگیهایی که از متون همعصر با تاریخ ادعاشده برای آن دوره می‌شناسیم همخوان است، یا ویژگیهای آن به دوره‌ای متقدم یا متأخر از آن دوره تعلق دارد؟ چنین تحلیلی

۲. **عنصر معنایی:** ویژگیهای مفهومی یک متن نیز — همگام با ویژگیهای لفظی آن — می‌تواند در تعیین تاریخ برای آن مؤثر باشد. اگر یک مفهوم کلامی / فلسفی / عرفانی و ... که تنها در دوره‌ای خاص کاربرد داشته و یا از مقطع تاریخی خاصی پدید آمده، در متنی به کار رفته باشد، بر اساس تاریخ آن مفهوم / مفاهیم و دوره رواج آنها، می‌توان تاریخی برای متن نیز در نظر گرفت. برای نمونه، شفیعی کدکنی با توجه بر وجود عناصر عرفان ابن‌عربی در خسرونامه منسوب به عطار، انتساب این اثر به وی را مردود می‌شمارد و تاریخ آن را از قرن نهم به بعد تعیین می‌کند. وجود یک مفهوم یا اصطلاح اندیشگی متأخر در متنی که علی‌الادعاء کهن دانسته می‌شود، یک تناقض تاریخی به شمار می‌رود که طبعاً اصالت متن را خدشه‌دار می‌سازد.



۳. **عنصر ساختاری:** صورت اثر، شکل، سبک و ساختار به کارگرفته‌شده در متن، می‌تواند به عنوان عنصری در تاریخ‌گذاری اثر در نظر گرفته شود. برای نمونه، می‌توان گفت که ترجمه‌های قرآنی کهن به فارسی که صبغه تفسیری و حکایی دارند جدیدتر از ترجمه‌هایی هستند که تحت لفظ‌ترند و پایبندی بیشتری نسبت به متن مبدأ دارند؛ همچنین ترجمه‌هایی که در برابر یک واژه قرآنی تنها یک واژه فارسی می‌گذارند قدیمتر از ترجمه‌هایی‌اند که در برابر یک واژه قرآنی از دو یا

چند واژه استفاده می‌کنند. شفیعی کدکنی نیز بر اساس ساختار ساده شعرهای منقول در السّین، تاریخ آن را صد سالی قدیمتر از آنچه پیشتر تصور می‌شد تعیین می‌کند. فرضیه‌های یوزف شاخمت مبنی بر اینکه روایاتی که به صورت اقوال و احکام کوتاه فقهی درآمده‌اند، قدیمی‌تر از روایاتی‌اند که حالت نقل و حکایت دارند؛ اقوال و احکام فقهی که گوینده آنها نامعلوم است، قدیمتر از آنهایی‌اند که به فرد معینی نسبت داده می‌شوند؛ بیانات کوتاه و فشرده، قدیمتر از اظهارات مشروح و مفصل‌اند؛ متونی که مسأله‌ای فقهی را به صورت تلویحی بیان می‌کنند، قدیمی‌تر از متونی‌اند که به روشنی هرچه تمامتر آن را شرح و بسط می‌دهند، در زمره تحلیل ساختاری متن جای می‌گیرد. همچنین است فرضیه ونزبرو که تفاسیر قرآنی متقدم را بر اساس سبک و کاربرد آنها به پنج گروه داستانی، فقهی، متنی، بلاغی و تمثیلی دسته‌بندی می‌کند و آنها را در یک سیر تاریخی به ترتیب قدیمتر تا جدیدتر می‌انگارد.

تحقیقات بسیاری را می‌توان نشان داد که در آنها از یک یا چند عنصر از عناصر سه‌گانه تحلیل متن، برای تاریخ‌گذاری کمک گرفته شده است. برای نمونه، شفیعی کدکنی برای تاریخ‌گذاری اشعار السّین، مفهوم (گرایش زاهدانه)، لفظ (تعبیر خاص شاعرانه) و ساختار (صورت ساده شعرها) را به طور توأمان به کار می‌گیرد و از آنها در تعیین تاریخ متن یاری می‌جوید.

### برای مطالعه بیشتر

– شفیعی کدکنی، محمدرضا، «سفینه‌ای عرفانی از شعرهای عرفانی قرن چهارم و پنجم»، جشن‌نامه استاد ذبیح‌الله صفه به کوشش سید محمد ترابی، تهران، ۱۳۷۷ش، ص ۳۴۰-۳۶۰.  
مقاله‌ای در تاریخ‌گذاری متنی کهن با نام السّین الجامع للطائف البساتین (تفسیر سوره یوسف، احمد بن محمد بن زید طوسی، به کوشش محمد روشن، تهران، ۱۳۴۵ش)، که نویسنده بر پایه اشارات موجود در متن و ذکر نام مؤلف در کتب تراجم تاریخ تقریبی متن را تخمین می‌زند؛ و سپس با قرائن متنی دیگری از اثر این تاریخ‌گذاری را تأیید می‌کند.



ونزبرو و ریپین»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث (ش ۶)، ۱۳۸۵ ش؛ ص ۶۴-۲۷.

نقد و بررسی فرضیه جان ونزبرو، مؤلف مطالعات قرآنی (Wansbrough, John, *Quranic Studies: Sources and Methods of Scriptural Interpretation*, Oxford, 1977).

در باب تاریخ گذاری تفاسیر متقدم قرآنی. گزارشی کوتاه از فصل چهارم کتاب ونزبرو (با عنوان «اصول تفسیر») را نیز، که مبانی وی برای تاریخ گذاری تفاسیر کهن در آن تشریح شده، در این مقاله (ص ۳۴-۳۵) می توان دید.

- موتسکی، هارالد، «حدیث پژوهی در غرب»، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، ۱۳۸۷ ش، ج ۱۲، ص ۷۷۸-۷۸۳.

تلخیص و ترجمه ای است از مقدمه هارالد موتسکی بر مجموعه ای از مقالات برگزیده حدیث پژوهان غربی (*Hadīth: Origins and Developments*, edited

by: Harald Motzki, Aldershot, 2004),

که به گزارش پژوهشها و نظریه های خاورشناسان در باب اصالت احادیث اسلامی، مخصوصاً بر پایه سلسله اسناد، می پردازد. بخشهایی از این نوشته به شرح روشها و رویکردهای گوناگون در تاریخ گذاری احادیث اختصاص دارد. ترجمه کاملی نیز از این مقدمه - البته با حذف پی نوشتها - به چاپ رسیده است («حدیث پژوهی در غرب: مقدمه ای در باب خاستگاه و تطور حدیث»، هارالد موتسکی، ترجمه مرتضی کریمی نیا، علوم حدیث، ش ۳۷-۳۸، پاییز و زمستان ۱۳۸۶ ش، ص ۳-۳۱).

- همو، «مقدمه»، مختارنامه، عطار نیشابوری، به کوشش محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۵ ش، ص ۳۴-۵۹.

تحلیلی خواندنی در تاریخ گذاری متنی با نام خسرونامه منسوب به عطار. نویسنده در آن با تحلیل قرائن داخلی و خارجی متن (مفاهیم و اصطلاحات به کاررفته در متن، سبک شناسی و ساختارشناسی متن) و همچنین تحلیلی از نسخه های موجود خسرونامه، به تاریخ گذاری این متن و رد انتساب آن به عطار می پردازد.

- عمادی حائری، سید محمد، قرآن فارسی کهن: تاریخ، تحریرها، تحلیل، تهران، ۱۳۸۶ ش، ص ۴۸، ۵۷-۷۹. نمونه هایی متعدد از تاریخ گذاری متون کهن بر اساس عناصر لفظی (لفظ و ساختار نحوی)، و نشانه هایی برای کشف دوره تاریخی ترجمه های کهن قرآن به فارسی در آن ارائه شده است.

- لازار، ژیلبر، «پرتوی نو بر شکل گیری زبان فارسی: ترجمه ای از قرآن به فارس گویشی و همانندیهای آن با متون فارسی - یهودی»، شکل گیری زبان فارسی، ترجمه مهستی بحرینی، تهران، ۱۳۸۴ ش، ص ۱۵۷-۱۵۸.

بخشی است از مقاله ای درباره ترجمه گویشی کهنی از قرآن (قرآن قدس، به کوشش علی رواقی، تهران، ۱۳۶۴ ش)، که نویسنده در آن بر اساس واژه ها و ساختهای متن می کوشد تاریخی برای آن تعیین کند.

- مهدوی راد، محمدعلی و نصرت نیل ساز، «تاریخ گذاری تفسیر منسوب به ابن عباس: نقد روش تحلیل ادبی